

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: برده داری در اسلام و تعدیل آن
گروه ۱۰: پاسخ‌های مربوط به حقانیت احکام حقیقی اسلام
شماره: ۳

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی
— پاسخ صوتی را در پایین متن دریافت نمایید.
تاریخ ثبت: بیست و نهم بهمن ماه چهارصد و سه

سؤال:

آیا داشتن کنیز و غلام عین برده‌داری نیست؟ چرا پیامبر و امامان کنیز و برده داشتن؟

پاسخ نوشتاری:

توجه شود که محور صحبت ما در این پاسخ نامه، مربوط به دستورالعمل‌های کلی مربوط به کنیز و غلامان در اسلام حقیقی است؛ نه مطلق برده داری در جوامع مختلف، و نه عملکردها و سوء استفاده‌های گروه‌های تروریستی و فاسد مدعی اسلام.

می‌دانیم که موضوع وجود کنیز و غلام و تصاحب و خرید و فروش انسان‌هایی به عنوان برده، امری بسیار قدیمی است و از زمان ثبت تاریخ در لابلای کتیبه‌های تاریخی و نقل‌احوالات گذشتگان قابل مشاهده می‌باشد. بعنوان نمونه می‌توان از ثبت‌های موجود در تاریخ هرودوت که حدود هزار سال قبل از ظهور اسلام نوشته شده است و از لحاظ منابع تاریخی عمومی قدیمی ترین منبع تاریخ جهان محسوب می‌شود، یاد نمود (۱).

ظاهراً قسمت عمده منشأ ایجاد بردگان به شکست در جنگ‌ها مربوط بوده است؛ بطوری که شکست خوردگانی که اسیر می‌شدند، اگر جان سالم به در می‌بردند بعنوان غلام و زنان‌شان بعنوان کنیز در اختیار پیروز شدگان در جنگ قرار می‌گرفتند؛ که آنها یا ایشان را به خدمت می‌گرفتند و تصاحب می‌کردند یا به دیگران می‌فروختند. در نتیجه بخشی از جامعه انسانی را بردگانی تشکیل می‌دادند که در بازارهای برده‌فروشان خرید و فروش می‌شدند و در اختیار و تصاحب اربابان بودند، و خصوصاً در بنو اسیر شدن از لحاظ آداب و رسوم و دیانت، با اربابان خود متفاوت و بلکه مخالف بودند و صرفاً با جبر و اجبار دستورات آنها را اجرا و به آنها خدمت می‌کردند.

و شریعت سراسر عدالت اسلام این جریان را به شکلی زیبا و انسان ساز جهت داد. به این صورت که این افراد؛ از طرفی در خانه‌های مسلمینی که مالک آنها می‌شدند، هم در غالب کنیز و غلام خدمت می‌کردند و هم عملاً آیین و شریعت اسلام را می‌آموختند و به سمت خروج از ظلمت و رسیدن به نور پیش می‌رفتند.

از طرفی دیگر اسلام با دستورات اخلاقی نجات بخش خویش از اعمال ضرب و شتم و زورگویی نسبت به آنها منع می‌کرد؛ و به شکل‌های مختلف از قبیل پرداخت برخی از کفاره‌ها و همچنین با ذکر ترغیب‌ها و ثواب‌های فراوان، مالکین را ترغیب و بلکه وادار به آزادی تدریجی آنها می‌نمود. تا بسیاری از آنها پس از آشنایی با دین و دستورات نجات بخش اسلام و ای بسا هدایت شدن‌شان، پس از آزاد شدن روح‌شان از قید و بندهای غیر توحیدی و خرافی و اسارت شیطان که بسیار مهمتر است، جسم‌شان نیز از قید و بند مملوک دیگری بودن آزاد و رها گردد.

پس اسلام نه به یکباره اساس موضوعی را که جوامع مختلف با آن خو گرفته بودند به هم ریخت، و نه شکل وحشیانه و غیر انسانی آن را تأیید نمود، و نه جریان اسیران جنگی را لاینحل باقی گذاشت. چرا که در حال حاضر نیز راه حل درستی در مورد اسیران جنگی اعمال نمی‌شود و بعنوان یکی از معضلات جوامع بشری در جهت اعمال خشونت بیشتر مطرح است. بطوری که یا اسیران قبل از اسارت و یا در همان ابتدا به بهانه و طریقی کشته می‌شوند تا باری برای پیروز شدگان نباشند؛ و یا سال‌ها در زندان و غالباً با اعمال شاقه و ای بسا با شکنجه باقی می‌مانند و عمرشان تلف می‌شود و نه فایده‌ای برای خود دارند و نه برای دیگران، تا اینکه یا در آنجا می‌میرند و یا با تبادل و یا تغییر احتمالی سیاست‌های دولتمردان آزاد می‌شوند!

لذاست که اسلام راه تعدیلی وسط را در این مورد برگزید و امامان معصوم نیز در این راستا با نیکوترین اخلاق و ترغیب به اصلاح و هدایت، و در نهایت غالباً آزاد سازی، دارای کنیز و غلام بودند.

که در زیر نمونه‌هایی از دستورات اسلامی و رفتار اولیاء دین را، با محوری که ذکر شد، در مورد کنیز و غلامانی که در اختیارشان بود، می‌بینیم:

۱- در کتاب من لایحضره الفقیه (۲) در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: و جبرئیل پیوسته آنقدر در مورد کنیز و غلامان به من سفارش کرد که پنداشتم برای آنها وقتی خواهد گذاشت که چون به آن وقت رسیدند آزاد خواهند شد.

۲- در کتاب ثواب الاعمال (۳) از امام باقر علیه السلام، که فرمودند: چهار عمل در هر کس باشد، خداوند در بهشت خانه‌ای از برایش بنا می‌کند: کسی که یتیم را جا و پناه دهد، و با ضعیف و ناتوان به مهربانی رفتار کند، و به پدر و مادرش مهر و محبت نماید، و با کنیز و غلامش به نرمی و ملایمت رفتار نماید.

۳- در کتاب مجموعه ورام (۴) از معذور بن سُوید نقل می‌کند، که می‌گوید: در رَیْذه بر ابی ذر که خشنودی خداوند بر او باد وارد شدیم، در حالیکه خودش بُردی پوشیده بود و غلامش نیز مانند آن را پوشیده بود. به او گفتیم: اگر بُرد غلامت را به بُرد خودت اضافه کنی لباس کاملی خواهد شد، و غلامت را با لباسی دیگر بپوشان. گفت: شنیدم که رسول خداوند می‌فرمودند:

اینان برادران شما هستند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده است، پس هرکس برادرش زیر دستش باشد بایستی از هرچه خودش می‌خورد به او نیز اطعام نماید و با هرچه که خودش می‌پوشد او را نیز بپوشاند؛ و او را به کاری نگمارد که از توانش بیشتر است، و اگر چنین کرد بایستی خودش کمکش نماید.

۴- در کتاب غارات (۵) از قول مختار تمار جریانی را نقل می‌کند که خلاصه‌اش آن است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب دو لباس از بازار خریداری می‌کنند، و به عنوانی که قنبر غلامشان جوان است، لباس گرانت‌تر را به او می‌دهند؛ و می‌گویند: من از پروردگارم شرم می‌کنم که بر تو برتری جویم.

۵- در کتاب محاسن (۶) از امام صادق از رسول خداوند، که در حدیثی در مورد بدترین مردمان از جمله می‌فرمایند: و کسی که عبدش (کنیز و غلامش) را کتک می‌زند.

۷- و در کتاب مجموعه ورام (۷) از ابو مسعود انصاری، که می‌گوید: یکی از غلامانم را کتک می‌زد، که از پشت سرم صدایی شنیدم، که می‌گفت: ای ابا مسعود، بدان که بدون شک قدرت خداوند بر تو از قدرت تو بر او بیشتر است؛ برگشتم و دیدم آن شخص خود پیامبر است. گفتم: ای رسول خداوند، او به خاطر خشنودی خداوند آزاد است؛ فرمودند: آگاه باش که اگر این کار را نمی‌کردی، آتش تو را فرا می‌گرفت.

۸- مطرح بودن آزاد کردن بدون قید بندگان و خصوصاً مؤمن شدگان آنها به عنوان یک عمل نیکو و پر پاداش در آیات و احادیث، و مطرح بودن آزاد کردن آنها بعنوان یکی از موارد کفاره واجب در چندین مورد، مانند؛ قتل غیر عمد، شکستن سوگند، روزه خواری، و....

پس همانطور که ذکر شد، مشاهده می‌شود که اسلام با تعدیل برده‌داری در محدوده احکام خود، آن را به بهترین شکل مدیریت می‌کند؛ بطوری که طبق این برنامه، هرگاه به درستی اجرا شود، اسرای جنگی و بردگانی که در اختیار مسلمین قرار می‌گرفتند، بدون آنکه به خاطر ارزش و فعالیت شان تمایلی به کشتارشان در قبل از اسارت باشد و بدون آنکه برای مدت نامعلوم زندانی و ای بسا شکنجه شوند، در میان خانه‌های مسلمین پخش می‌شدند و با فرهنگ والای اسلامی آشنا می‌گردیدند و همزمان با رفتار کریمانه‌ای که با آنها می‌شد ای بسا جذب اسلام می‌شدند و به سعادت ابدی می‌رسیدند. و چه بسیار که همزمان با رسیدن به این سعادت با ترغیب‌ها و راهکارهایی که اسلام قرار داده است از قید بندگی دنیایی نیز رها می‌گشتند.

که بدون شک این دستور العمل توسط خود پیامبر و امامان معصوم به بهترین شکل اجرا می‌شد، و هرگاه آنان دارای کنیز و غلام بودند با این سیره و روش بود. و اگر کسانی بر خلاف آن عمل می‌کردند، ایراد بر آنها وارد بود نه بر اصل این دستور العمل.

و هرگاه منصفانه و خالی از تعصبات این دستورالعمل را حتی با دستورالعمل های جهان به اصطلاح متمدن و مدعی حقوق بشر امروز در این رابطه مقایسه کنیم، به خوبی برتری آن را متوجه می شویم. چرا که امروزه، اسرای جنگی برای مدت نامعلوم به زندان افکنده می شوند تا بعنوان برگی برنده در دست فرمانروایان اسارت گیرندگان باشند. به همین دلیل جنگجویان و حتی هنگامی که دورنمای برگ برنده بودن آنها واضح نیست فرمانروایان نیز، تمایلی به زنده اسیر کردن آنها ندارند. و در مورد زن و فرزندان شان نیز به اندک بهانه‌ای ممکن است آنها را آماج بمباران‌ها و کشتارها قرار دهند. و اسیر شوندگان، همانطور که گفته شد، حتی ممکن است چندین دهه و حتی تا آخر عمر، عوض محیط آزاد و در فضای قابل رشد، در محیط پر خفقان زندان همراه با شکنجه‌های روحی و ای بسا جسمی، عمرشان را سپری نمایند؛ و لحظه به لحظه کینه‌شان نسبت به طرف مقابل افزون شود، و اگر دین و فرهنگ طرف مقابل برتر می باشد نیز، هرگز به قبول آن فکر نکنند.

-
- ۱) (تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، از جمله: ج ۲ ص ۱۰۴ و ج ۴ ص ۷۳ و ۷۵ و ج ۶ ص ۱۶۷)
 - ۲) (من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، منشورات جماعة المدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۴ ص ۱۳)
 - ۳) (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳۳)
 - ۴) (مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، مکتبه الفقیه، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۱ ص ۵۷)
 - ۵) (الغارات، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۹۵ق، ج ۱ ص ۱۰۶)
 - ۶) (المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق، ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۶۰)
 - ۷) (مجموعه ورام، ج ۱ ص ۵۸)